

قتل عام مردم فلسطین ادامه دارد

دولت نژادپرست اسرائیل، با هجوم تازه‌ای به نوار غزه و لبنان، قتل عام مردم محروم و تحت ستم را مجدداً از سر گرفته است. توجیه و دستاویز دولت اسرائیل، این بار برای حمله همه جانبه هوایی و زمینی به نوار غزه و دیگر نقاط فلسطینی، حمله یکی از گروه‌های نظامی حماس به یک پاسگاه مرزی و کشته شدن دو سرباز و به گروگان گرفتن یک نظامی دیگر اسرائیلی است. این در حالی است که نیروهای نظامی اسرائیلی به طور مداوم دسته دسته مردم فلسطین، از جمله کودکان و زنان را در شهرها و منازلشان به قتل می‌رسانند و یا گروگان می‌گیرند و به زندان‌های مخوف اسرائیل انتقال می‌دهند. قبل از این واقعه نیروهای نظامی حماس، با صدور اطلاعیه‌ای از دولت اسرائیل خواسته بودند که حدود پانصد فلسطینی را از زندان‌های خود آزاد کند. در بین این زندانیان کودکان و زنان نیز قرار دارند. حماس، دخالت در این درگیری و گروگان‌گیری را رد کرده است و گروهی به نام «شهدای الاقصا»، مسئولیت حمله به پاسگاه اسرائیلی و گروگان گرفتن سرباز اسرائیلی را به عهده گرفته است. از سوی دیگر، ایهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، درخواست اسماعیل هنیه، نخست‌وزیر دولت خودگردان فلسطین را برای اعلام آتش‌بس دو جانبه و برقراری صلح و آرامش به منظور حل بحران غزه رد کرده است. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، حمله نظامی نیروهای مسلح اسرائیل به نوار غزه و نقاط دیگر فلسطین، بزرگ‌ترین عملیات از زمان تخلیه غزه توسط اسرائیل در تابستان گذشته است. در گزارش این خبرگزاری‌ها، همچنین آمده است که دولت اسرائیل، طرح اشغال مجدد غزه را از پیش تدارک دیده است. دولت اسرائیل، علاوه بر بمباران اماکن عمومی فلسطین و قتل عام مردم این کشور، مردم این منطقه را در محاصره اقتصادی قرار داده است. اسرائیل، تنها گذرگاه اصلی عبور کالا و مایحتاج روزمره در نوار غزه را مسدود کرده است. از این رو، سازمان ملل متحد، هشدار داده است که اگر اسرائیل، این گذرگاه را برای عبور کالاهای ضروری مسدود نگاه دارد غزه بالقوه با بحران انسانی روبرو خواهد شد. بدین ترتیب، ارتش اسرائیل، از زمان گروگان گرفته شدن یک نظامی خود در روز ۲۵ ژوئن ۲۰۰۶، به طور مداوم مردم نوار غزه را از زمین و هوا زیر حملات خود قرار داده است. هلیکوپترها و هوایماها و تانک‌ها و توپخانه اسرائیل، خانه‌های مردم خود را بمباران می‌کنند. مزارع را به آتش می‌کشند. تنها نیروگاه برق این شهر قطع شده است. پل‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس و حتی دانشگاه این شهر نیز در اثر بمباران‌ها ویران شده‌اند. واحدهای اسرائیلی با حمایت تانک‌ها و هلیکوپترهای



گرداب عراق میدان شکست «نظم نوین»

نسل‌کشی انسان‌ها، جنگ و خونریزی و قربانی شدن دهها هزار نفر مردم بیگناه و غیر نظامی، گسترش جنگ مذهبی و رشد فضای تنفر و انتقام‌جوئی اسلامی و قومی و رشد تروریسم افسار گسیخته، امروز سیمای واقعی صحنه سیاسی عراق را تشکیل می‌دهد. جنگ شیعه و سنی، تقسیم شهرها و مناطق مسکونی و قتل عام انسان‌ها بر اساس مذهب و نژاد، کشور عراق را در آستانه وقوع یک تراژدی انسانی اسفناک قرار داده است. در صفحه ۴

اجرای بند «ج» اصل ۱۴۴ قانون اساسی تعرضی سازمانیافته به زندگی و معیشت طبقه کارگر

بازدهی چنین سیاستی در کوتاه مدت برابر است با تعمیق یافتگی بیشتر فقر و گرسنگی در سطح جامعه، بازتر شدن شکاف طبقاتی، هزرتن رفتن استعدادهای و گسترش آوارگی، کارتن خوابی، اعتیاد، تن فروشی و هزاران درد بی درمان دیگر. ره آورد خصوصی سازی یا مدل اقتصادی نئولیبرالیسم مساوی است با پرت شدن جیب بورژوازی داخلی و شرکای آنان در حاکمیت به همراه کمپانی‌های چند ملیتی و بیکاری، گرسنگی و سیاه روزی مضاعف برای طبقه کارگر و توده‌های محروم جامعه. در صفحه ۵

فدایگان - بنده «اکبر گنجی»

گنجی در تعریف خود از اسلام دمکراتیک عاجزاست، او نمی‌تواند حقوق بشر اروپا و قوانین اسلامی را در یک هارمونی اروپاپسند مطرح کند. به همین دلیل در حضور اروپایی‌ها از این مبحث فاصله می‌گیرد و سعی می‌کند مسلمان بودن خود را پشت ژست مدرنیسم پنهان کند. در صفحه ۶

از سایت های حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید.

www.cpiran.org



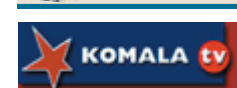
سایت حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



سایت کومه له

www.komala.tv



سایت تلویزیون کومه له

جلال محمد نژاد

گرداب عراق، میدان شکست «نظم نوین» آمریکا

است که قبل از جنگ آمریکا در عراق در موقعیتی بسیار ضعیف تر قرار داشت. استراتژی آمریکایی به همین اعتبار صحنه سیاسی جامعه عراق و خاورمیانه را به لحاظ شرایط و زمینه‌های پیشرفت یک پروسه سیاسی مترقی و آزادیخواهانه فرسنگ‌ها به عقب برده است. هژمونی سیاسی آمریکا و متحدانش در منطقه تنها موجب رشد افراطی مذهب، ناسیونالیسم و فضای سیاسی و اجتماعی عقب افتاده شده و به این ترتیب بزرگترین ضربه را به پیشرفت سیاسی و اجتماعی جامعه زده‌اند. از طرف دیگر واقعیت اینست که آنها در تلاش خود برای بالا کشیدن منابع اقتصادی عراق و تحمیل سلطه سیاسی خود تا همین حد هم مجبور به پرداخت هزینه‌های اقتصادی و انسانی هنگفتی شده‌اند و روند تحولات به روشنی گرفتار شدن آمریکا در گردابی پیچیده و باتلاقی سیاسی و اجتماعی در عراق و شکست استراتژیک آنها در برقراری "نظم نوین" امپریالیستی را در مقابل چشمان همه به نمایش می‌گذارد. دولت آمریکا و اسرائیل، به عنوان متحد استراتژیک آن در خاورمیانه، با گسترش حملات نظامی علیه فلسطین و کشاندن جنگ به کشور لبنان و ادامه نامعلوم آن تلاش می‌کنند در آستانه انتخابات آمریکا توجه افکار عمومی را از گرداب عراق برداشته و متوجه جغرافیای وسیع تری نمایند و به این ترتیب تأثیرات ناکامی‌های آنها و عمیق تر شدن بحران در سطح عراق و کل منطقه خاورمیانه را از اذهان مردم پوشیده نگه دارند. جنگ افروزی‌های وسیع تر اسرائیل در منطقه موجب تقویت باز هم بیشتر جریان اسلامی و دخالت بیشتر دولت‌های دیگر از جمله ایران و سوریه خواهد گردید. اعتراض عموم و پروسه جنبش سیاسی در عراق امکان ←

نمونه‌هایی از عدالت آمریکایی می‌توان به این پرونده اضافه کرد. دولت‌های امپریالیستی و کمپانی‌های بزرگ و کوچک تولیدی و احزاب و دولت‌های متحد آنها برای تامین منافع استراتژیک اقتصادی و سیاسی خود در صورت لزوم به جنگ‌طلبی و اشغال نظامی کشورها نیز متوسل شده و اینبار ماشین جنگ را به منبعی برای تامین سوده‌های کلان اقتصادی تبدیل می‌کنند. سرنوشت واقعی و زندگی روزانه میلیون‌ها نفر مردم ستم‌دیده عراق که برای سالیان دراز زیر سلطه دیکتاتوری فاشیستی صدام تکه پاره شدند، امروز توسط دولتمردان آمریکا و متحدانش و احزاب و گروه‌بندی‌های مذهبی و ناسیونالیستی و کمپانی‌های بزرگ تولیدی به بازی گرفته شد و فدای منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی افسارگسیخته و بی‌حد و مرز آنها گردید. جنبه دیگر این واقعیت عملی اینست که دولت آمریکا و متحدانش گستراندن سلطه سیاسی و اقتصادی خود و برقراری "نظم نوین" مورد نظرشان در عراق و خاورمیانه را در مماشات و سازش با انواع احزاب و جریانات بنیادگرا و افراطی اسلامی و ناسیونالیستی به پیش برده‌اند. آنها دولت جمهوری اسلامی و احزاب و دستجات افراطی اسلامی را در سطح خاورمیانه با مماشات و سیاست‌های عملی خود در موضع بسیار قدرتمندتری قرار دادند و خودشان هم مجبور به همکاری مستقیم با آنها شدند. انزجار عمومی از عواقب فرساینده این جنگ خانمانسوز عملاً به میدانی برای رشد و سربرآوردن یک ارتجاع اسلامی تبدیل شده

بی‌ثباتی، فقر و گرسنگی و عدم برخورداری از حداقل امکانات و مایحتاج ضروری زندگی، شیوع بیماری‌های گوناگون فیزیکی و روانی، پسرگرد و عقبگرد سیاسی و فرهنگی و غیره و غیره مردم عراق را در مقابل مخاطرات انسانی و جانی قرار داده و این سؤال را در مقابل هر وجدان آگاه و بیداری قرار داده است که آیا ضروری بود که مردم ستم‌دیده



عراق برای رهایی خود از چنگال دیکتاتوری صدام این بهای سنگین جانی، مالی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را بپردازند؟ و آیا چشم انداز یک نقطه پایان بر اینهمه جنگ و کشتار و نسل کشی آمده‌ها وجود دارد؟ دستاورد سیاسی حضور آمریکا و متحدان داخلی و جهانی‌اش در جامعه عراق چیزی جز گسترش تروریسم، رشد ملیشیا و گروه‌های تندرو و فئاتیک اسلامی، قدرت‌گیری احزاب و گروه‌بندی‌های قومی و ناسیونالیستی و رشد بنیادگرایی افراطی اسلامی، دامن زدن به جنگ مذهبی و قومی، که از جانب ارتش آمریکا و دولت‌های ذینفع منطقه نیز تقویت می‌شود، نبوده که عملاً کشور عراق را به یک جهنم واقعی برای مردم بیگناه آن تبدیل کرده است. شکنجه و رفتار وحشیانه و غیرانسانی سربازان آمریکایی در زندان‌های ابوغریب و غیره و تجاوز آنها به دختران و زنان عراقی و کشتار دسته‌جمعی مردم را به عنوان

نسل کشی انسان‌ها، جنگ و خونریزی و قربانی شدن دهها هزار نفر مردم بیگناه و غیرنظامی، گسترش جنگ مذهبی و رشد فضای تفر و انتقام‌جویی اسلامی و قومی و رشد تروریسم افسارگسیخته امروز سیمای واقعی صحنه سیاسی عراق را تشکیل می‌دهد. جنگ شعبه و سنی، تقسیم شهرها و مناطق مسکونی و قتل عام انسان‌ها براساس مذهب و نژاد، کشور عراق را در آستانه وقوع یک تراژدی انسانی اسفناک قرار داده است. عواقب سیاست ارتجاعی جنگ افروزانه دولت آمریکا و متحدانش که علیرغم اعتراض میلیون‌ها مردم آزادیخواه جهان جنگی ویرانگر و خانمانسوز را بر مردم بیگناه عراق تحمیل کردند آنچنان ابعاد انسانی و اجتماعی به خود گرفته است که آمار و ارقام علنی آن، که هنوز نصف همه واقعیت هم نیست، نمی‌تواند توسط مطبوعات مزدبگیر و ماشین تبلیغاتی امپریالیستی و مدافعان استراتژی آمریکا به حاشیه رانده شده و از انظار افکار عمومی بین المللی پنهان نگه داشته شود. طبق آمارهای رسمی و غیر رسمی منتشر شده بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم بیگناه عراق در این جنگ خانمانسوز کشته شده‌اند. بیش از ۳ هزار سرباز آمریکایی قربانی این سیاست جنگی شده‌اند که خانواده‌های چشم به انتظار آنها علیه دولتمردان آمریکایی اعلام جرم کرده‌اند. صدها و هزاران کودک بیگناه قربانی سیاست ترور و نسل کشی متأثر از این جنگ شده‌اند. بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار صرف هزینه‌های ماشین جنگی ارتش آمریکا شده است. میلیاردها دلار خسارت اقتصادی بر پیکره این کشور تحمیل شده است. جنگ ویرانگری که مردم حتی امکان و فرصت به خاکسپاری قربانیان آنرا پیدا نمی‌کنند، رشد فضای ترور و آدم کشی، ناامنی و

